

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

«جمعی از کمونیست های انقلابی - افغانستان» - «جمعی از کمونیست های انقلابی - ایران»
۰۳ می ۲۰۲۲

پرچم های سرخ بر دوش کارگران و زحمتکشان فرا رسیدن اول ماه مه را مزده می دهد (۲)

نگاهی به طبقه کارگر در افغانستان و تأثیرات گلوبالیزاسیون:

برای شناخت نسبی از موقعیت طبقه کارگر در افغانستان باید قبل از هر چیز به رابطه افغانستان و نقشی که اقتصاد آن در اقتصاد گلوبالیزه شده دارد پردازیم. در این ارتباط باید به این سوالات پاسخ دهیم که آیا افغانستان از نظر اقتصادی در اقتصاد جهانی و گلوبالیزه ادغام شده است؟ با توجه به چهار دهه جنگ های اشغالگرانه امپریالیستی و جنگ های خانمانسوز جهادی ها و بنیادگرایان اسلامی و شرایط ویژه ای که جامعه افغانستان و توده های زحمتکش در آن به سر برده اند، آیا طبقه کارگر افغانستان مانند طبقه کارگر بیشتر کشورهای تحت سلطه دچار تغییر و تحولات کیفی شده است؟ اگر طبقه کارگر چنین تحولی را از سرگذرانده به چه نحو بوده و چه اشکالی را به خود گرفته است؟

افغانستان قبل از اشغال آن از طرف نیروهای شوروی سوسیال امپریالیستی یک کشور زراعتی و در عین حال وابسته بود، اما علی رغم این وابستگی قادر بود عمده ضروریات غذایی جامعه را در داخل کشور تولید کند و حتی مازاد آن را به کشورهای مجاور و یا فراتر از آن صادر کند. اما چهاردهه جنگ های امپریالیستی و خانگی تحولات عظیمی را در کشور موجب شد. که اگر چه برخی تغییرات نتیجه اجتناب ناپذیر جنگ های مداوم بود اما این تغییرات کاملاً خودبه خودی نبود و عمدتاً با اهداف مشخص امپریالیست ها جهت داده شد. بیش از دو قرن است که نقش افغانستان به مثابه دیواری بین قدرت های بزرگ عمل می کند و علی رغم اشغالگری ها و سلطه گری ها با توجه به پیچیدگی های آن در نهایت قدرت های بزرگ به ایفای نقش افغانستان به مثابه چنین دیواری رضایت داده اند. اما این مسأله باعث نشد که با توجه به تقسیم کار بین المللی و گسترده تر کردن شبکه جهانی سرمایه جانی برای افغانستان در نظر گرفته نشود. اگر بخواهیم به سوالات مطرح شده به صورت مختصر پردازیم یکم بررسی از این زاویه که اقتصاد کنونی افغانستان بر چه اساسی استوار است و دوم این که نیروی کار در افغانستان اساساً در چه اشکالی مورد استثمار قرار می گیرد ضروری است. برای این مسأله به سه رکن اصلی که اقتصاد افغانستان بر آن قرار دارد می پردازیم.

سه رکن اصلی اقتصاد افغانستان:

۱- کمک های "بشردوستانه" توسط کشورهای امپریالیستی:

نقش کمک های "بشردوستانه" کشورهای امپریالیستی بسیار مرگبارتر از بمب هائی است که امپریالیست ها بر سر مردم افغانستان انداختند. امروز تولیدات غذائی داخلی در افغانستان بسختی ۲۰ درصد احتیاجات داخلی را کفایت می دهد افغانستان از نظر پایه ئی ترین ضروریات اقتصادی به امپریالیست ها و قدرت های منطقه ئی وابسته است. این یکی از بندهای مهمی است که اقتصاد افغانستان را به اقتصاد جهانی وصل می کند. بعد از به قدرت رساندن طالبان امپریالیست های غربی با استفاده از این اهرم قدرتمند در صدد بوده اند تا طالبان را کاملاً رام کرده و در چارچوب منافع ستراتیژیک خود قرار دهند. طالبان اگر هم تصور می کرد می تواند امپریالیست ها را فریب دهد و یا این که بعد از امضای موافقتنامه و کسب قدرت در افغانستان می تواند به هر طرف که بخواهد برود، بعد از قدرت متوجه شد که اهرم کمک های "بشردوستانه" طناب محکمی است بر گردنش و اساساً بر گردن اقتصاد افغانستان که اجازه مانوری به آن نمی دهد. اما مسأله به اینجا ختم نمی شود چرا که کمک های "بشردوستانه" نقش مخرب دیگری دارند. کشورهای کمک کننده بخش بسیار کوچکی از گندم اضافی خود را بعد از اشغال توسط امریکا و متحدین تحت نام کمک های "بشردوستانه" مفت و مجانی به افغانستان روان کردند. با این کار، هم "دعای خیر" را نصیب خود کردند و هم باعث خانه خرابی زار عین شدند. واردات گندم در کنار بقیه اقلام اساسی به افغانستان در دوران اشغال بین نیم تا یک میلیون تن بوده است که یا بدون پرداخت و یا بسیار ارزان به افغانستان داده می شد. این مسأله باعث شد که برای بسیاری از دهقانان افغان صرف نکند که به تولید گندم و مواد ضروری غذائی بپردازند. به خصوص با توجه به خشکسالی ها و شرایط جنگی و بسیاری عوامل نامساعدی که با آن روبه رو بوده و هستند. در نتیجه برای بسیاری از زار عین بسیار با صرفه تر بود که برای تأمین بقیه احتیاجات خود به جای کشت گندم و جو و جواری به کشت کونکار (خشخاش) روی بیاورند. بر طبق داده های اتاق تجارت و سرمایه گذاری «سالانه افغانستان به گونه اوسط یک و نیم تا دو میلیون تن گندم وارد می کند.» طلوع نیوز ۳۰ حمل ۱۴۰۱ البته بنا به همین گزارش به خاطر بحران و جنگ در بهار و تابستان گذشته در حدود ۲۰ درصد کمتر از سال قبل بوده است.

۲- کشت کونکار و تولید تریاک:

بیش از سه دهه است که اصلی ترین محصول افغانستان تولید تریاک و مواد مخدر است. در این سه دهه علی رغم افت های موقتی، کشت کونکار و محصول آن در مجموع یک جهت رشدیابنده داشته است و به یکی از رکن های اصلی اقتصاد افغانستان مبدل شده است. در دهه های گذشته علاوه بر افزایش مقدار تولید کونکار همچنین ساحات تحت کشت نیز افزایش فوق العاده ای داشته است و مناطقی که هیچ رابطه ای با کشت کونکار نداشتند به کشت آن روی آوردند. جدول منتشر شده ملل متحد در سال ۲۰۱۵ نشان می دهد که کشت کونکار در سال ۲۰۱۳ برای اولین بار در تاریخ از مرز ۲۰۰ هزار هکتار گذشت و در سال ۲۰۱۴ به مرز ۲۲۵ هزار هکتار و تولید تریاک به ۶۴۰۰ تن رسید. ساحات زیر کشت تقریباً در تمام این سال ها علی رغم افت و خیز نسبی در همین حدود باقی مانده است به طور مثال مطابق آمار ملل متحد مجموع ساحات کشت کونکار در سال ۲۰۲۱ که نسبت به سال قبل از آن افزایش داشت به ۲۲۴ هزار هکتار رسید و ۶۸۰۰ تن تریاک تولید شده است. آنچه که این روند بیان می کند اینست که برای دهقانان کشت کونکار و تولید تریاک باصرفه تر است. دیگر گندم و جو و جواری برای دهقانان مقرون به صرفه نبود چرا که با محصولات وارداتی سوبسیده شده امریکا و بقیه کشورهای امپریالیستی نمی توانستند رقابت کنند. بگذریم از این که بخش مهمی از

این گندم تحت نام کمک های "بشردوستانه" مفت داده می شد. کمتر شکی در این مورد وجود دارد که این "کمک های بشردوستانه" فشاری غیر مستقیمی به زارعین بود که به کشت کوکنار سوق داده شوند. در دهه اول قرن حاضر بیش از نیمی از تولید ناخالص ملی افغانستان از تجارت مواد مخدر تأمین می شد و در حدود ۱۰ درصد نفوس (نه نیروی کار) را در بر داشت. تولید ناخالص مواد مخدر افغانستان در سال ۲۰۲۱ بین ۱.۸ تا ۲.۷ میلیارد دلار تخمین شده است. که معادل ۹ تا ۱۴ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور بوده است. به نظر می رسد که رقم های داده شده از رقم های واقعی بسیار کمتر باشد چرا که بخش مهم تجارت به صورت غیر قانونی صورت می گیرد. در حالی که اعلام شده که سه میلیون نفر در افغانستان مصروف کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر هستند.

این مسأله بیانگر این است که اقتصاد افغانستان در سه یا چهار دهه اخیر توسط بازار به اصطلاح آزاد اما با فشار اقتصادی و حتی نظامی و سیاسی به سمت کشت کوکنار و خط تولید تریاک و هروئین سوق داده شده است. در حالی که همان فشارها و الطاف «بشردوستانه» این کشور را از قابلیت های تولید پایه ئی ترین احتیاجات غذایی مردم محروم کرده اند. به عبارت دیگر این گونه افغانستان در تقسیم کار بین المللی موظف به تولید تریاک و مواد مخدر شده است. در چنین شرایطی مهم نیست که حامد کرزی و یا اشرف غنی در قدرت باشد و یا طالبان و یا دیگر جهادی ها. تا زمانی که یک قدرت وابسته و ارتجاعی و استثمارگری بر سرکار گمارده شود این وظیفه را بر عهده خواهد داشت و می توان گفت که یکی از اشکال مهم اقتصادی است که افغانستان را در شبکه جهانی سرمایه ادغام نموده است.

۳- صدور نیروی کار ارزان:

سومین رکن اصلی اقتصاد افغانستان صدور نیروی کار ارزان است که از طریق مهاجرت نیروی کار صورت می گیرد و پولی است که از این طریق حاصل می شود. کنده شدن و سلب مالکیت شدن میلیون ها نفر از زمین در افغانستان عمدتاً از طریق جنگ هائی صورت گرفته که در چهار دهه گذشته بر آسمان افغانستان سایه افکنده است. این جنگ ها باعث شده که میلیون ها نفر آواره شوند. در حدود ۶ میلیون نفر در داخل کشور و بیش از ۶ میلیون نفر که ۲۰ تا ۳۰ درصد نفوس کشور هستند به شمول کارگر مهاجر و یا پناهجو در کشورهای همسایه مانند ایران و پاکستان و یا کشورهای عربی در منطقه و یا دیگر کشورها مهاجرت کرده اند. اکثر مهاجران به کشورهای همسایه و منطقه موقتی استند و صرفاً به دلیل کار مهاجرت می کنند.

در واقع صدور نیروی کار ارزان از طریق مهاجرت ها و پناهجویان صورت می گیرد. که با توجه به فشارها و تبعیضات غیر انسانی و بیگانه ستیزی مجبورند نیروی کار خود را در نازلترین سطح بفروشند. به گفته مقام های وزارت مهاجرین و عودت کنندگان در سال ۲۰۱۶ «پدیده مهاجرت در حدود ۷ میلیارد دلار وارد عرصه اقتصادی افغانستان» نموده است.

افغانستان با توجه به جنگ های مداوم برای سالها بالاترین تعداد مهاجر و یا به عبارت دیگر صدور نیروی کار ارزان را دارا بود و تا قبل از جنگ سوریه همچنان در این جایگاه قرار داشت. با توجه به شرایط کنونی افغانستان و در قدرت بودن طالبان و نارضایتی های توده ئی و با توجه به اوضاع اقتصادی و فقر و همچنین بی ثباتی که به نظر می رسد تنها جنبه ثابت افغانستان در چند دهه گذشته بوده چنین روندی ادامه خواهد یافت.

بنابراین اقتصاد افغانستان از سه طریق ۱- کمک های بین المللی «بشردوستانه»، ۲- کشت کوکنار و تولید تریاک ۳- تولید و صدور نیروی کار ارزان به بازار و اقتصاد جهانی وصل است و در تقسیم کار بین المللی به مثابه عمده ترین تولید کننده مواد مخدر و همچنین جزو کشورهای بیشترین صادر کننده نیروی کار ارزان قرار دارد.

نکاتی در مورد موقعیت طبقه کارگر در افغانستان:

با توجه به تحولات اقتصادی و سیاسی که جامعه افغانستان در دوران جنگ های مداوم از سرگذرانده و در بالا به صورت خلاصه بدان پرداخته شد می توان به برخی نکات در مورد موقعیت طبقه کارگر افغانستان نقشی که در انقلاب خواهد داشت پرداخت.

۱- بخش عظیمی از دهقانان سلب مالکیت شدند و از زمین هائی که چند نسل در آنجا زندگی کرده و زندگی خود را از آن با تمام سختی هایش تأمین می کردند کنده شدند. علاوه بر دهقانان بسیاری از ساکنین دهات و ولسوالی ها نیز آواره شده و مجبور شدند که دار و ندار خود را رها و محل زندگی را ترک کنند و به محل دیگری در داخل و یا خارج از کشور مهاجرت کنند. تنها در سال ۲۰۲۱ میلادی در حدود ۱.۳ میلیون نفر در بخش های مختلف افغانستان آواره شدند. در نهایت تنها بخشی از آوارگان موفق می شوند و یا در شرایطی قرار می گیرند که به مناطق خود برگردند.

۲- این سلب مالکیت شدن ها از یک طرف در نتیجه سرمایه گذاری های اقتصادی به شکل قرض های بلاعوض اما مقید و کمک های "بشر دوستانه" که با راندن بسیاری از دهقانان از زمین هایشان و سوق دادن بسیاری دیگر به تولید کوکنار و یا «صنعت تولید تریاک و مواد مخدر» به ورشکستگی آنان انجامیده است.

۳- در شرایط کنونی می توان گفت که بخش مهمی از نیروی کار در تولید کوکنار و مواد مخدر مشغولند. ملل متحد در سال ۲۰۰۶ این رقم را ۳.۳ میلیون نفر ارزیابی کرده بود که علی رغم افت خیز نسبی در همان حدود باقی مانده است. آمار سال ۲۰۲۱ در شرایط کرونا و افت بازار این رقم در حدود ۳ میلیون نفر تخمین شده بود. البته باید خانواده و کسانی که تحت سرپرستی مالی این افراد هستند را به آن افزود.

۴- بخش مهمی از کارگران مهاجر افغانستان در یک رفت آمد دائم با افغانستان قرار دارند. این کارگران به صورت موقت به خارج از کشور به خصوص در کشورهای همسایه ایران و پاکستان و یا کشورهای عربی برای فروش نیروی کار خود می روند و در اکثر موارد خانواده آنها در افغانستان باقی می ماندند. به طور مثال ارزیابی شده که در ۱۱ سال گذشته بیش از چهار میلیون و پنج صد هزار نفر به کشورهای خارجی مهاجر شده اند و در همان حال در حدود پنج میلیون نفر از کشورهای خارجی عمدتاً از ایران و پاکستان به کشور برگشته اند. اینان بخشی از طبقه کارگر در افغانستان به حساب می آیند. به عبارت دیگر می توان گفت در حالی که بخشی از لشکر عظیمی از نیروی کار جوان هستند که بیش از پیش بین المللی شده اما رابطه را با افغانستان قطع نکرده اند و در عین حال بخش مهمی از درآمد حاصل از فروش این نیروی کار کارگران مهاجر از منابع مهم درآمد ارزی دولت افغانستان و چرخ اقتصاد افغانستان می باشد.

۵- کارگران بخش خدمات، راه و ساختمان و صنعت در دیگر رشته ها غیر از مواد مخدر از نظر کمی نسبت به سابق افزایش داشته است. علاوه بر این که تعداد کارگران در بخش خدمات افزایش چشمگیر داشته همچنین در بخش صنعت در ۲۰ سال اخیر ده ها پارک (شهرک) صنعتی نیز به وجود آمده اند. این پارک های صنعتی در کابل و دیگر ولایات مانند بلخ، قندهار، هرات، ننگرهار وجود دارند که دهها هزار کارگر در این پارک های صنعتی کار می کنند.

۶- همچنین می توان به خیل عظیم بیکاران اشاره کرد که یا کاملاً بیکار و اغلب اوقات بیکارند و یا این که از یک کار موقتی به کار موقتی دیگری اشتغال می یابند.

آنچه می توان گفت که هم موقعیت اقتصادی افغانستان و هم موقعیت کارگران در افغانستان با توجه به تحولات در شکل بندی اقتصادی سرمایه داری جهانی و شکلگیری گلوبالیزاسیون تغییرات کمی و کیفی را از سرگذرانده است که از

طرق کمک های بشردوستانه، تولید تریاک و مواد مخدر و صدور نیروی کار ارزان به اقتصاد جهانی سرمایه داری وصل شده است. با توجه به این تغییرات کمی و کیفی حاصل شده بدون شک طبقه کارگر افغانستان ظرفیت آن را دارد که نقش تعیین کننده تری را در انقلاب ایفاء کند. هم به دلیل شدت استثمار و استعماری که کشورهای امپریالیستی و مرتجعین منطقه ئی و داخلی اعمال کرده اند هم به دلیل ارتباطات و رفت و آمدی که کارگران مهاجر با کشورهای دیگر منطقه خواهند داشت تجاری را کسب می کنند که بر روحیه مبارزاتی آنها مؤثر می باشد.

ادامه دارد

زیرنویس:

ⁱ برای مطالعه بیشتر به نوشته ما " افغانستان و پیوستن به سازمان تجارت جهانی که در سال ۲۰۱۷ منتشر شد در وبسایت ما www.jaka2020.com رجوع کنید.